

## استقلال افغانستان، محصل بزرگوار آن و آغاز نهضت زن افغان



مردم رنجور و مصیبت رسیده ما بیاد دارند که در چنین شب و روز هایی افغانستان عزیز شاهد تدارک و تنظیم جشن های گوناگونی در پایتخت و ولایات به مناسبت فرارسیدن روز آزادی و استقلال شان از دولت برطانیه وقت بوده است. ولی هر سالی که میگذرد، دردا که بدبختی و آشفتنگی یک ملت مظلوم بیشتر گردیده و دریای خون و آتشی که در هر گوشه وطن با پلان های شوم همسایگان و مشتکی دد منش از خدا و وجدان بیخبر بر کوچک و بزرگ مملکت نازل گردیده، به جز ناله و فریادی را در قبال ندارد.

البته جا دارد که به مناسبت نود و نهمین سال استرداد استقلال وطن، درود به آن اکثریت ملت رنجور و بیدفاع افغان که دهه ها را با جنگ، مظالم زور گویان و مقتدرین، تلفات ضد بشری، آوارگی، فقر و هزاران درد بیدرمان دیگر سپری نموده و هنوز هم در بی عدالتی منافی اخلاق انسانی، نقض هدایات اسلامی و پامال حقوق بشری قرار دارند، بفرستیم.

اینک سالی دیگر برحقیقت استر داد استقلال افغانستان از قبضه دولت جهانگیر بریتانیای وقت توسط محصل آن، فرزند صدیق افغان اعلیحضرت «غازی شاه امان الله» افزود گردید و ملت افغانستان علی الرغم مصائبی که ده هاست که با خیانت عده ای از فرزندان نا خلف بر آنان نازل گردیده، آرزومند یک صلح پایدار و پشتی بانی از حریت و استقلال سرزمین شان می باشند.

درآستانه نود و نهمین سال استرداد استقلال افغانستان عزیز، یادی از آن روز های فرخنده جشن آزادی وطن بخیر که مملکت ما در صلح و صفایی قرار داشت و با نعمت آزاده گی که به نوک شمشیر شیر مردان واقعی این خطه پاک، باهمراهی شیر زنان و همت محصل آزادی وطن، اعلیحضرت «غازی شاه امان الله» به دست آمده بود، جشن استقلال در هر گوشه و کنار سرزمین کهن ما تا آغاز تراژیدی بزرگ انسانی یعنی کودتای منحوس ثور، از جانب مردم وطن برگزار میگردید.

مراسم استقبال این روز تاریخی که بامحافل شادی و سرور از اول سنبله تا يك هفته در همه نقاط مملکت صورت میگرفت، در حقیقت جشن ملی و مردمی تمام اقشار ملت افغان و هر فردی از اقوام شریف وطن محسوب میشد که در تشریح آن روز های میمون نه تنها یاد و خاطره های ما وابسته و پیوند هستند، بلکه در لابلای اوراق تاریخ وطن آن دهه ها با استقبال از چنین رویداد ارزشمندی، با خط جلی نقش بسته و همیشه ماندگار است. بعد از سپری شدن ۹۹ سال از آن رویداد افتخار آمیز، امروز وطن ما در آتش و خون هرچه بیشتر سردچار گردیده است و تفرقه و نفاق و شقاقی که با دستان اجنبی در بین اقوام شریف افغانستان صدهای صلح و امنیت شانرا نابود نموده، در حقیقت آن گرد هم آبی ملی و وطنداران همدل را به افسانه مبدل ساخته است؛ دیگر نه جشنی داریم و نه شادمانی از حصول استقلال را تجربه می نماییم.



اعلیحضرت غازی امان الله خان حین سفر حسن نیت شان با ملکه ثریا به دعوت اتاترک رهبر ترکیه جدید

اعلام مدبرانه حریت افغانستان عزیز توسط اعلیحضرت «غازی شاه امان الله» با عزم راسخ آزادی خواهی، استقلال داخلی و خارجی مملکت بعد از کنفرانس سمله در ۱۸ اگست سال ۱۹۱۹ میلادی، درحالی صورت گرفت که بیشمار ممالک جهان در تحت سلطه قدرت امپراطوری برتانیای کبیر و یوغ استعمار آن قرار داشتند. این حرکت ملی، افغانستان را نه تنها در جهان وقار و حیثیت استثنائی بخشید بلکه در بین همسایگان و ممالکی که استعمار حاکمیت ملی شانرا پامال نموده بود، انگیزه ای برای ایجاد جنبش های آزادی خواهی گردید. افغانستان آزاد و غیر منسلک و ملت شریف آن، تا وقوع کودتای منحوس ثور، از نعمت والای آزاده گی هرسال از جشن استقلال خویش با شادی و غرور و آزادگی استقبال مینمود.

آن روزگاران فرخنده که با حسرت و افسوس از جانب مردم افغانستان یاد میگردد، با وعده پوشالی حکومت کارگران و دهقانان «!» که در عصر سیاه شان ملیون ها هموطن به شمول زنان، شهید، آواره و دربدر گشتند، نه دوباره نصیب ملت افغان گردید و نه در عصر خون باران تنظیم های تشنه قدرت و ثروت جهادی که با جنایات استثنائی شان و فجایی ای که بر مردم ما مخصوصاً بر قشر اناث مظلوم و بی دفاع وطن وارد نمودند، جشنی برگزار شد. البته در دوران تاریک طالبان هم، با همبستگی آنان با پاکستان که از همان آغاز جدایی از هند به سرزمین ما ستیزه عمیق و اهداف شوم دایمی دارد، استقبال از نعمت آزادی و استقبال از آن پدیده گرانبها، به رویای دست نیافتنی و گمشده ای مبدل گردید!

درین هیجده سال اخیر، طوریکه مشاهده مینمائیم با تقسیم و ترکۀ کرسی های دولت به جنگسالاران، ناقضین حقوق بشر، مجرمین جنگی، افراد نالائق، کم سواد و بی کفایت و آنانیکه در ۴۰ سال اخیر با همدستی با قاچاقبران، متجاوزین و اشغالگران، خاک وطن را به تاراج بردند و بر مردم بیدفاع آن مظلومی را روا داشتند که در تاریخ بشریت سابقه نداشته، دیگر احساس آزادی و استقبال و برگزاری جشن و سرور همگانی از آن میراث گرانبها، مفهوم مقدس خود را از دست داد.

دولت حامد کرزی برای خفیف و بی ارزش نشان دادن این والا ترین آرزو و افتخار مردم جهان و کافه ملت افغانستان، سالها به تمکین به جنگسالاران و وطن فروشان، مخصوصاً با دنباله رویی آشکار به شورای نظار، یگانه قهرمان ملی واقعی قرن اخیر افغانستان، محصل برحق استقلال وطن، «اعلیحضرت غازی امان الله» را در سایه «احمد شاه مسعود» سردمدار معامله گران با دول ذینفع، این روی داد فرخنده را گاهی زیر سایه روز شهید «!؟» برد و زمانی کسر بودجوی و امنیت را بهانه آورده و از تجلیل جشن پر افتخار استقلال مردم افغانستان «طفره» رفت. البته باورمندیم که در جهاد بینظیر مجاهدین واقعی افغانستان و شکست ابر قدرتی چون شوروی، لقب با شکوه «قهرمان ملی» به مردم شریف افغانستان که چنان شکست خفت بار را سبب گردیدند، متعلق میباشد و بس!

امسال ۹۹ سال از استرداد استقلال افغانستان توسط محصل دلیر و ترقی خواه آن، اعلیحضرت «غازی شاه امان الله» میگذرد. دوران کوتاه «۱۹۱۹-۱۹۲۹» سلطنت این شاه دیموکرات، مترقی و معارف پرور، عصر شکوفائی و کسب امتیازات و حقوق فردی و آغاز نهضت واقعی آزادی و حقوق حقۀ زنان در ساحات مختلفه معارف، حقوق بشر، صحیه، حق ازدواج و امثالهم محسوب میگردد. تاریخ و ملت افغانستان هرگز فراموش نمی نماید که علی الرغم دوران کوتاه پادشاهی اعلیحضرت «شاه امان الله غازی» که قسمتی از آن «۹ماه» در حال مسافرت ها به منظور معرفی افغانستان آزاد، غیر منسلک و در حال رشد و شگوفائی سپری گردید و برخی هم به مبارزه بر علیه دسیسه سازی های خائنین وطنی و پلان های استعماری گذشت، این شاه ترقی خواه و وطن پرست، بیشمار نو آوری ها و اصلاحات را در شقوق مختلفه نصیب ملت خویش گردانید.



تصویری از خرابه قصر باشکوه دارالامان، که در عصر اعلیحضرت امان الله خان، نمونه ای از معماری عصری را در وطن تمثیل مینمود.

این بنای بیماند که از جنگ های شوروی سالم مانده بود، در اثر راکت پرانی های گلبدین و مسعود بر اهالی بی دفاع کابل چنین ویران گردید. چون مقر قوای حکمتیار درین سمت شهر قرار داشت، در حالیکه ربانی در قصر بسر میبرد و قوای مسعود در آن حوالی تنظیم گردیده بود، این قصر با عظمت بیدریغ از همان جهت به استقامت قوای گلبدین، به راکت هدف قرار میگرفت.

تغییرات سودمند نهضت زنان افغانستان که در آن «ملکه ثریا»، فامیل و مادر گرامی و فاضل وی «اسماء رسمیه» همسر علامه «محمود طرزی» پدر نو آوری های مترقی و ژورنالیزم در افغانستان، نقش ارزنده ای داشتند، مانند بسیاری از ترقیات آن عصر، باعث رشک و تقلید ممالک همجوارگردیدند.

در نو آوری های آن عصر، مثل تأسیس مکتب، شفاخانه مستورات، تدریس و تعلیم شاگردان و پیشبرد امور گوناگون مربوط به پیشرفت های فوق العاده حیات زن افغان در ساحات مختلفه حتی ساحه عدلی و قضایی، دقت و خدمات مستقیم زنان خانواده سلطنتی از هر جهت قابل افتخار و یاد آوری است. ناگفته نماند که کارداران دولتی هم با علاقمندی درین نهضت جهان زن از هیچ همکاری دریغ نمی نمودند، چنانچه زنان و خواهران شان پایه پا با خانم های فامیل شاهی مانند علیاحضرت «ملکه ثریا» و خانواده ایشان و تعدادی از دختران و خانم های «سراجیه»، هم در چنین خدمات ارزشمند و قابل ذکری شرکت مینمودند.

افسوس که دست های ناپاک عمال داخلی و استعمار خارجی با توطئه های گوناگون از آن عصر درخشان و مترقی اثری باقی نگذاشت و مانند تخریبات علنی و همه جانبه دهه قانون اساسی تمام دست آوردهای دیموکرتیک و حقوق مردم را به خاک یکسان نمود و چراغ تابان حکومت های ملی و مردمی متکی بر قانونیت را خاموش نمود.

به صراحت باید متذکر شویم که آنچه را اعلیحضرت غازی، شاه ملت پرور و دیموکرات افغانستان در راه حقوق خصوصی افراد، منجمله حقوق زن در افغانستان به وجود آورد، تا جهان جهان است صفحات درخشان تاریخ وطن به وی لقب بهترین بانی دیموکراسی، عدالت، قانونیت و برابری زن و مرد را درین سرزمین جنگ زده ویران اعطا مینماید.

دردا که بعد از گذشت یک قرن از آن نهضت مردمی و مترقی، دیده میشود که از دهه هاست که در پهلوی نقض حقوق و امتیازات اکثریت، حقوق زن مظلوم و محروم افغان بیشترین پامال جفای مرد سالاری، جنگ سالاری و عدم بازخواست و بی عدالتی و فساد اداری وسیع گردیده است.

با تجلیل از روحیه والای آزادی، طور نمونه از یکی از بیانات شاه وطن پرست و ملت پرور افغانرا در زمینه آمادگی برای کسب استقلال و تشویق هموطنان شریف ایشان در ذیل، تقدیم حضور خوانندگان میدارم:

بعد از اعلام سلطنت افغانستان «اعلیحضرت امان الله خان» شهریان کابل را چنین مخاطب قرار داده فرمودند: (اولتر از همه رعایای صدیق ملت نجیبه خود این اعلان را بشارت میدهم که من تاج سلطنت افغانیه را بنام استقلال و حاکمیت داخلی و خارجی افغانستان بسر نهاده ام). در دامه چنین بیان نمودند: (ملت عزیز من! من این لباس سربازی را از تن بیرون نمیکم تا که لباس استقلال را برای وطنم تهیه ننمایم. من این شمشیر را در غلاف نمی کنم تا غاصبان حقوق ملت را به جای شان نشانم. ای ملت عزیز و ای سربازان فداکار من، بیایید تا که سرهای پرغیرت خود را بر اینجات وطن فدا سازیم).

قبل از اعلام رسمی استقلال افغانستان به تاریخ ۱۳ اپریل سال ۱۹۱۹ به تاریخ ۱۸ اگست، اعلیحضرت بازهم حضور ملت ایراد فرمودند: (من خودم و مملکت را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلام نمودم،

بعد ازین کشور ما مانند سائر دول و قدرت های جهان، آزاد است و به هیچ قدرتی به اندازه یک سر موی اجاز داده نمیشود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله نمایند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را با این شمشیر خواهم زد) و سپس از «نجف علی» سفیر انگلیس که در مجلس حضور داشت پرسیدند: « آنچه گفتم فهمیدی؟! » سفیر انگلیس با احترام و تعظیم جواب داد: «بلی!»

دردا که با دسایس استعمار و همراهی عده ای که از حب وطن بی بهره بودند، آفتاب زعامت چنان شاه خردمند و مترقی بزودی افول نمود و افغانستان سردچار مثنی رهن و جمعی بیخرد آشفته سر گردید که در پهلوی تخریب آثار و نو آوری های اجتماعی مترقی، نهضت زنان افغان برای دهه های متوالی به تاریکی پیوست.



اعلیحضرت امان الله خان و فامیل حین ورود به بندر ماری، بعد از اجبار ترک وطن

در خاتمه با در نظر داشت حوادث خونینی که در شهر غزنی مرکز تمدن و ثقافت اسلامی و بقیه مناطق افغانستان عزیز درین شب و روز سالگرد استقلال کشور به وقوع پیوسته است، به روح پرفتوح همه شهدا و مبارزین راه استقلال و تمامیت ارضی افغانستان عزیز که سر های شانرا با رشادت در راه خدمت و جانبازی برای حصول و حفظ استقلال افغانستان و حفظ جان ملت و خاک وطن عزیز قربان نموده اند جهانی از درود و تهنیت میفرستیم.  
آمین!

پایان